



توی اداره‌ها گاهی اوقات مدیر بالادستی به نیروهایش چیزی را به صورت شفاهی می‌گوید. این نکات به نوعی حکم همان دستورات لازم‌الاجرا را دارد؛ اما گاهی هم فقط یک توصیه است. مثلاً وقتی مدیری به آبدارچی می‌گوید برای من چای کم‌رنگ بیاور؛ معنی‌اش این نیست که اگر چایی پررنگ بود تورا اخراج می‌کنم. (گرچه برخی همین کار را هم می‌کنند!) ولی در اغلب موارد وقتی مدیری می‌خواهد دستور جدی به نیروهایش بدهد که همه ملزم به اجرای آن شوند؛ آن را به صورت مکتوب می‌فرستد. انگار این ثبت شدن خودش یک جور محکم‌کاری است تا طرف مقابل اهمیت ماجرا را بفهمد. حالا فرض کنیم مدیر به نیرویش مکتوب نامه بزند و بگوید دقیقاً مثل همه کسانی که قبل از شما دستور داشتند فلان کار را نکنند؛ شما هم مثل همه آنها باید همان کار را انجام بدهی. به نظرم دیگر نمی‌شود از زیر این قبیل دستورات در رفت. خدا هم خیلی دستورات داشته که گاهی آن را به صورت شفاهی به انبیا می‌رسانده و این دستورات اغلب در کلام آنها جاری شده است. مثل احادیثی که از رسول خدا (ص) و سپس اهل بیت (ع) برای ما به جا مانده است. ولی دستورات مهمش را در دل کتاب‌های آسمانی به خصوص آخرین آنها یعنی قرآن بیان کرده است. یکی از مواردی که خدا ادبیاتش با ما در مورد آن خیلی سفت و سخت است، همین روزه گرفتن است. چنانچه فرموده است: روزه را بر شما واجب کردم همان‌طور که برگزشتگان تان واجب کرده بودم. (آیه ۱۸۳ بقره) حالا یک عده به دنبال این هستند که دلیلی برای این وجوب پیدا کنند. قطعاً دلایلی مثل نزدیکی به عدالت اجتماعی و این که ثروتمندان وضع فقرا را بفهمند یا بیشتر شدن تقوا در انسان با انجام ندادن برخی اعمال و ... بی‌ربط هم نیست. ولی از همه بیشتر خیلی‌ها می‌خواهند سلامت جسمی را بگذارند دلیل این ماجرا برای همین آن را با فستینگ و رژیم‌های لاغری مقایسه می‌کنند. این رفتار به نظرم کوچک کردن موضوع، ارزش و اهمیت روزه‌داری است. مخصوصاً که بیشتر از همه سال، در این ماه قرار است به خدا نزدیک شویم و در حقیقت روح ما بیش از جسم ما قرار است پرورش پیدا کند.

شیرین مثل فارسی

یک زوم در رابطه با زبان فارسی و متعلقاتش

زبان فارسی از مسائلی است که خیلی از ما روی آن غیرت داریم. با خودمان تعارف هم نداریم. زبانی داریم به شدت جذاب و موزون که قند و شکر از آن می‌ریزد. کدام زبان است که در هر شکل و شمایی معنی دهد؟ در «زوم» این هفته می‌پردازیم به این مسأله که آیا باید از زبان فارسی حفاظت کرد و آن را از هر واژه بیگانه‌ای محفوظ نگاه داشت یا این که نه، می‌توانیم هر بلایی که دل ما می‌خواهد سر این عسل شرقی بیاوریم. خلاصه که این شما و این زوم این هفته.

امیرعلی حبیبی

نوجوانه



فارسی خالص

زبان فارسی همیشه محل بحث برای افراد متخصص و غیرمتخصص بوده است. به نظر می‌رسد که همه سعی دارند تا به نوعی سربه‌سر این زبان بگذارند و در مورد آن تصمیم‌گیری کنند. این موضوع به‌ویژه در سال‌های اخیر، با گسترش رسانه‌های اجتماعی و افزایش ارتباطات بین‌المللی، به بحثی داغ تبدیل شده است. عده‌ای از افراد بر این باورند که زبان فارسی را باید از هر کلمه مازاد خارجی حذف کرد و آن را به نسخه‌های پیشین خود برگرداند. این دیدگاه نه تنها به ریشه‌های تاریخی زبان برمی‌گردد بلکه به هویت فرهنگی و ملی ما ایرانی‌ها وابسته است. اصلاً هم ربطی به این مسأله ندارد که چقدر این کار ساده است یا سخت. شاید از دور این مسأله خیلی غیرممکن به نظر برسد و شاید هم واقعاً ناممکن باشد اما با این حال، موافقان این دیدگاه بر این باورند که زبان فارسی را باید تا حد ممکن از کلمات خارجی پاک کرد و آن را خالص

نگاه داشت. این تلاش‌ها به‌ویژه در شرایطی که زبان‌های دیگر، به‌ویژه انگلیسی، به‌طور فزاینده‌ای در زندگی روزمره و فرهنگ ما نفوذ کرده‌است، بیشتر به چشم می‌آید. البته که برخی از این افراد توجه ویژه‌ای به حضور کلمات عربی در زبان فارسی دارند. افراد هم تمام تلاش خود را در انجام این کار می‌کنند و تا حد ممکن می‌کوشند از کلمات عربی و دیگر زبان‌ها استفاده نکنند و کلمات فارسی کهن را جایگزین نمایند. برای مثال، به جای «کلمه» از «واژه» استفاده کنند یا به جای «سلام»، «درود» بگویند. معتقدان به این مسأله دلایل متفاوتی هم برای این موضوع دارند. از باور به این که افرادی در دنیا سعی در نابودی زبان فارسی دارند گرفته تا میهن‌پرستی و حتی در مواردی رنگین دیدن خون خود. برخی معتقدند که هرگونه تغییر در زبان می‌تواند در اثر یا به جهت تضعیف این هویت باشد.

بی‌فارسی

در این قسمت به نقطه مقابل آن سمت از گفت‌وگو می‌پردازیم، یعنی افرادی که با هر بار صحبت کردنشان، یک بار قلب زبان فارسی تیر می‌کشد. این دسته از افراد، چه خواسته و چه ناخواسته، با استفاده بیش از حد و بدون دلیل از کلمات و اصطلاحات دیگر زبان‌ها، به زبان فارسی آسیب می‌زنند. این آسیب‌ها می‌تواند به تدریج به تغییرات بنیادین در ساختار و هویت منجر زبان شود. احتمالاً اکثر این افراد ناخواسته این کار را می‌کنند یا حتی دلیل خود را برای شکستن تکیه‌کلام‌های دیگر در میان گفت‌وگوهای خودشان را ندانند. در بسیاری از موارد، این افراد به‌طور ناخودآگاه کلمات و عبارات خارجی را وارد گفت‌وگوهایشان می‌کنند. دلایل متعددی برای تخریب زبان و استفاده از کلمات خارجی وجود دارد. یکی از آنها، احساس باکلاس بودن است. برخی افراد بر این باورند که استفاده از کلمات و عبارات زبان‌های دیگر، به‌ویژه زبان انگلیسی، آنها را در چشم دیگران متمایز و مدرن‌تر جلوه می‌دهد. این نگرش می‌تواند به تدریج به یک فرهنگ تبدیل شود (شده) که در آن استفاده از زبان مادری به عنوان نشانه‌ای از پایین بودن سطح اجتماعی یا فرهنگی تلقی می‌شود. دیگر دلایل شامل کاهش عزت اجتماعی و ضد ارزش شدن زبان فارسی در برابر دیگر زبان‌هاست. در دنیای امروز، زبان‌های بین‌المللی مانند انگلیسی به عنوان زبان‌های علمی، تجاری و فرهنگی شناخته می‌شود و این امر می‌تواند به تضعیف جایگاه زبان فارسی بینجامد.

نوجوانه‌ای

مثل تمام زوم‌های دیگر، نوجوانه نظر خودش را دارد. ما بر این باوریم که زبان ما حاوی تاریخ، فرهنگ و هویت ماست و بنابراین نباید آن را به دست خودمان نابود و حذف کنیم. زبان فارسی، با تمام زیبایی‌ها و پیچیدگی‌هایش، بازتاب‌دهنده ارزش‌ها، باورها و تجربیات نسل‌های مختلف ایرانی است. این زبان، نه تنها وسیله‌ای برای ارتباط است بلکه حامل میراث فرهنگی و تاریخی ما نیز هست. از این رو، حفظ و نگهداری آن وظیفه‌ای است که بر عهده همه ماست. از طرفی، باید بپذیریم که زبان یک مسأله پویا و زنده است که خود را با نیازهای جامعه تطبیق می‌دهد و زنده نگه می‌دارد. زبان‌ها به‌طور طبیعی در حال تغییر و تحول است و این تغییرات می‌تواند ناشی از نیازهای جدید اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی باشد. به عنوان مثال، با گسترش فناوری و رسانه‌های اجتماعی، واژگان و اصطلاحات جدیدی وارد زبان ما می‌شود که ممکن است در ابتدا بیگانه به نظر برسد، اما به تدریج در زبان محلی جامی افتد و بخشی از هویت زبانی آن جامعه می‌شود. از طرفی، پاک کردن هر زبانی از کلمات خارجی ناممکن است، زیرا زبان‌ها و فرهنگ‌ها با هم داد و ستد دارند و همین مسأله است که آنها را زنده نگه می‌دارد. این تبادل نه تنها زبان‌ها را غنی‌تر می‌کند، بلکه به فهم متقابل و گسترش فرهنگ‌ها نیز منجر می‌شود. بنابراین، تلاش‌های بی‌پایان به جهت حذف کلمات وارد شده را نمی‌پذیریم. این تلاش‌ها ممکن است به جای حفظ زبان، به تضعیف آن منجر و باعث ایجاد فاصله بین نسل‌ها و فرهنگ‌ها شود. در عوض، باید به دنبال راه‌هایی باشیم که بتوانیم از کلمات و عبارات جدید به‌طور هوشمندانه استفاده کنیم و در عین حال هویت و اصالت زبان فارسی را حفظ کنیم. از طرفی هم تلاش برای استفاده از کلمات دیگر در زبان فارسی را قبول نمی‌کنیم. این به معنای آن نیست که ما به‌طور کامل از کلمات خارجی پرهیز کنیم بلکه باید آگاهانه و با در نظر گرفتن تأثیرات آن بر زبان مادری خود از آنها استفاده کنیم. باید به دنبال ایجاد تعادل باشیم؛ به گونه‌ای که زبان فارسی بتواند با حفظ هویت فرهنگی و تاریخی‌اش، به‌روز و متناسب با نیازهای جامعه باقی بماند.